

## وزیری که از فحش دادن خوشش می آمد!

۱۴ بهمن ۱۳۹۳ ساعت ۱۸:۱۲

بنا بر گواهی اسناد برجای مانده یکی از فاسدالاخلاق ترین نخست وزیران دوران حکومت پهلوی دوم شخص هویدا بود، اما جالب است بدانید که وزرای وی نیز دست کمی از وی نداشتند به نحوی که شاید بتوان ولیان را گُل سرسبَد آنان دانست!

عبدالعظیم ولیان در سال ۱۳۰۲ شمسی در تهران به دنیا آمد و پس از اتمام دوره دبیرستان به دانشکده افسری رفته و در ۲۴ سالگی از این دانشکده فارغ التحصیل گردید. وی همزمان با تحصیل در دانشکده افسری از دانشکده حقوق تهران نیز لیسانس علوم سیاسی گرفت و دوبار نیز به امریکا اعزام شد تا آموزش های نظامی را دانشکده توپخانه تکمیل نماید.

ولیان پس از تصدی چند منصب نظامی و وکالت در دادگاه های ارتش و نیز همکاری با ساواک، در سال ۱۳۴۱ با درجه سرهنگی به وزارت کشاورزی رفته و مدتی بعد رئیس سازمان اصلاحات ارضی و معاون وزیر کشاورزی گردید و سرانجام با تقسیم وزارت کشاورزی به سه وزارت خانه، از سال ۱۳۴۶، مسئولیت وزارت تازه تاسیس اصلاحات ارضی را عهده دار شد و در دولت امیرعباس هویدا حضور یافت. عبدالعظیم ولیان که فردی جاه طلب و جویای نام بود، در رفتار و کلام خود رعایت موازین اخلاقی را نمی نمود، چنانچه زمانی که ولیان وزیر کشاورزی شد، وزارت کشاورزی یک واحد سینمایی سیار راه انداخت.

ولیان چند دستگاه جیبی لندن را برای نمایش فیلم های سینمایی در روستاها خریداری کرد که در هر کدام یک پرده سینمایی و یک پروژکتور (آپارات) تعبیه شده بود. رانندگان هم آموزش دیده بودند و درست مثل یک آپاراتچی سینما فیلم داخل آپارات می گذاشتند و برمی داشتند.

هر هفته لندوره های سینمایی راه می افتادند، به روستاها می رفتند و برای روستائیان فیلم هایی در مورد انقلاب سفید شاه و مردم نشان می دادند.

در یکی از این نمایشات سینمایی که در پیشوا برگزار می شد، ولیان نیز به واسطه مناسبت آن روز با چهارم آبان (روز تولد شاه) حاضر شده و قصد سخنرانی برای روستائیان را داشت که برق میکروفن قطع شد و وقتی راننده لندور نتوانست میکروفن را راه بیندازد، ولیان دهان هرزه خود را گشود و یک دایره المعارف کامل از فحش های رکیک و زننده را نثار راننده بخت برگشته وزارت کشاورزی کرد.

در این مراسم، تعدادی از خبرنگاران جراید هم حضور داشتند و به ولیان اعتراض کردند که چرا فحاشی می کند. ولیان به جای آن که از عمل خود ابراز ندامت کند، ابراز داشت، من بچه «شهرنو» هستم و از فحش دادن خوشم می آید!

ولیان آن قدر به فحاشی عادت داشت که حتی در مکالمات عادی با دوستان و آشنایان هم یک در میان فحش و ناسزا رد و بدل می نمود!

منابع:

۱- دلد، اسکندر. من و فرح پهلوی. تهران: به آفرین، ۱۳۷۷.

۲- شجاعی صائین، علی. دولت چارکران. تهران: مدرسه، ۱۳۸۵.

منبع: تقدس

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۹۴۸۳/آمد-می-ش-خوش-دادن-فحش-وزیر>